

از مسجدالحرام تا مشهدالرضا(ع)

حج تمتع امسال درحالی‌به پایان رسید که زائرانش پس از همه گیری کرونا اولین مسافران کعبه بودند

تکم جاوید

هنوز در حال و هوای خوشی هستند . چندروزی مانده است تادلتنگی هاواشک‌های گوشه‌چشم‌برای یادآوری خاطرات آغاز شوند .

سرмест از زیارت‌های لحظات آخر زیر آفتاب سوزان صحن کعبه ونیمه‌شب‌های مدینه‌النبی هستند؛ اولین گروه حاجیانی که به علاوه سال‌ها انتظار در فهرست حج تمتع، دوسالی هم‌برای پایان بیماری کرونا منتظر ماندند تا روزی زیارت خانه خدا نصیبشان شود.به چشم‌پرهم‌زدنی این روزها هم زیر سایه نگرانی از ابتلا به کرونا یا اتفاقات پیش‌بینی نشده، به خوشی تمام شد.

مراسم و مناسک حج تمام شده است و با هدف ثبت گزارش امروزان سوالات را از طریق روابط عمومی سازمان حج و زیارت به مدیران کاروان‌های رسانیم و صدایشان را دریافت می‌کنیم. وقتی هنوز خبری از بازگشت نیست، اولین قدم‌های حاج آقا و حاجه خانم‌های استان از صبح روز گذشته به مشهد رسیده و حالا چندساعتی از حضور آنان در خانه یا شهرشان می‌گذرد. نمی‌دانم چقدر از مراسم و دید و بازدیدها و ولیمه دادن‌ها باقی مانده است اما لذت آن سفر برای مسافران‌ش تمام شدنی نیست.

● حسن و حالی که به زبان نمی‌آید

صدایش عجیب مادرانه است؛ گرم و آرام. می‌گوید ولا به لایش گذری به حسن و حال خوب روزهای زیارت می‌زند. اسمش را که می‌شنوم آشناتر هم می‌شود، فاطمه دختر شهید عبد الحسین برونسی، از حضور یک آشنادر میان آن تعداد صداخوشحال‌تر می‌شوم. شرح ماجرای سفر و پاسخ به سوالاتم را شروع می‌کند.

از حال خوب زیارت که می‌گوید، یک جور احساس قدرت در عین بندگی در آن نهفته است: حال و هوای حج رانمی‌شود به زبان گفت، همه‌اش قدرت خداست. وقتی همه‌مردم از بی‌نیاز و غنی، زشت و زیبا وزن و مردکنار هم طواف می‌کنند، یعنی قدرتی هست که توانسته است همه‌مرد دنیا را به طواف معبد عشقش دعوت کند. سفر برایش همانی بوده که عمری آرزویش را داشته است، با همان جزئیات و تشکیلات.

از محل اقامت تا، توفیق زیارتی که در هر لحظه شبانه روز نصیبان می‌شد، بدون دغدغه و بدون نگرانی. تادلشان خواسته است به دیدار یار رفته‌اند از ترس روزهای دل‌تنگی.

باز از حسش سخن می‌گوید: کاری جز شکرگزاری خداوند ندارم که توفیق رفتن به عرفه عارفان، منای عاشقان و زیارت خودش را نصیبمان کرد. از خدا خواستیم توفیق دیدارش را به همه عزیزان آرزومند عنایت کند.

شنیده‌ایم که اولین بار وقتی چشم‌زائر به کعبه معظمه و بیت عتیق بیفتد، سه دعایش روا خواهد شد. فاطمه هم این‌را می‌داند و با همان نیت دست به دعا بر می‌دارد: وقتی اولین بار چشم‌به‌خانه خدا افتاد دعا برای فرج آقا یمان امام زمان (ع) به‌زبانم آمد. بعد به یاد آن‌ها که التماس می‌کرد

داشتند اقدام. طلب عاقبت به خیری را هم از یاد نبردم. ان شاء... قبول شود. نگاهش به تهیه سوغات، نگاه حذفی بوده و خیلی کم بازارگردی کرده است تا فرصت زیارت از دست نرود اما همان‌را هم به دیده ثواب نگر بسته است و ادامه می‌دهد: در حد اینکه می‌گفتند سوغات حج متبرک است برای افراد بسیار نزدیک و خانواده بسیار اندک خرید کردیم. از آن گذشته با این همه گرانی شایسته نبود پول‌مان از کشور خارج شود.

● کمترین مدت انتظار

برای رسیدن به کعبه موعود از دیگران جلوتر بوده، زیراسال‌های سخت انتظار رانداشته است. تاوان این خوشبختی را البته چنددهه پیش در جنگ پرداخته و حالا به عنوان یک جانباز پس از چهار سال چشم‌انتظاری راهی سفر حج شده است. مهرداد اعزازی ۵۱سال سن از شهر مشهد

مسافر کاروان دیگری در این سفر است. از طریق صدا با هم در ارتباطیم. او گوینده و حالا من شنونده‌ام. تجربیات دیگری از سفر به سرزمین کربلا و حتی حج عمره‌اش را می‌گذارد کنار این سفر، از پذیرایی تا مهمان‌نوازی، می‌گوید: فرهنگ پذیرایی از زائرانشان هر قدر هم خوب باشد، به کربلا و مهمان‌نوازی آن‌ها نمی‌رسد. کارهایی می‌کنند و خدماتی می‌دهند که اینجا نیست. حتی سفر حج تمتع با سفر عمره هم متفاوت است، شلوغی و ازدحام کمتری

به نظم آنچه در آن سرزمین‌ها انجام می‌شود خیلی متفاوت است با ایران. در کشور خودمان باتوجه به اعتقاد تمان به زائر توجه ویژه‌تری داریم و اگر خدمت می‌کنیم با جان و دل است

دارد که شرایط را محدود می‌کند. اما این‌ها همه نوعی سختی را به این سفر می‌دهد که با جان و دل خریدنی است. آن مراسم سخت بد جور به دل می‌نشیند.

سیستم حمل‌ونقل و رفتار کسبه رادر شهرها با لفظ خوب یا عالی توصیف می‌کند ولی فوق‌العاده گران، اعزازی شرح می‌دهد: واقعا شرایط مناسبی برای خرید نبود. هر کالایی مثل یک لباس ساده را باید دست‌کم سه برابر قیمت مشهد خریداری می‌کردید. این هزینه برای مردم خیلی سخت است. کمتر زائرانی را دیدم که خیلی خرید بکنند.

● کمترین مدت انتظار

برای رسیدن به کعبه موعود از دیگران جلوتر بوده، زیراسال‌های سخت انتظار رانداشته است. تاوان این خوشبختی را البته چنددهه پیش در جنگ پرداخته و حالا به عنوان یک جانباز پس از چهار سال چشم‌انتظاری راهی سفر حج شده است. مهرداد اعزازی ۵۱سال سن از شهر مشهد

می‌زدحج حاج خانم. یک عمر است آرزو دارد مکه را ببیند. حالا خیال‌م راحت‌شد.

دینم را ادا کردم و تمام.

باید در این سفر برای هریک از شش فرزندش که التماس داشتند دعا می‌کرده است. می‌گوید حتی خدا خدا کردم دعاها یادم نرود؛ در خانه مریض داریم، جوان مجرد داریم، اولین بار که چشم‌به‌کعبه افتاد تا توانستم اسمشان را بر دم. تا توانستم خدا را به بزرگی‌اش قسم دادم که گره کارهایشان باز نشود و به همین امیدوارم.

آرزوی خود و همسرش برآورده شده است و حالا فقط برای دیگران دعا می‌کند. اینکه هر روز عاقبت به خیری یکی و شفای دیگری را ببیند.

● مهمان‌نوازی مشهدی‌ها خالصانه‌تر است احتمالا یکی از جوان‌ترین مسافران خانه کعبه بر ایمان پیام فرستاده است. سی سال از خدا عمر گرفته است اما چهار سال پیش فیش حج را آزاد خریده است که شاید در سن جوانی از این سفر حظ کامل ببرد.

● از ۲۱سالگی در انتظار دیدار هانیه‌ذا کرا الحسینی اکنون ۳۸ساله است اما به گفته خودش ۱۷سال پیش برای حج واجب‌نام نویسی کرده، یعنی وقتی تقریبا ۲۱ساله بوده است. اگر کرونا نبود حالا باید دوسالی از حاج خانم شدنش می‌گذشت.

توصیفش از این سفر زیادگرگونی است: با گذشتن به حرم خداری انسان خیلی تأثیر دارد. آدم را به یک نفر دیگر تبدیل می‌کند. یعنی قرار گرفتن در این جو روحانی نگاهمان را به زندگی تغییر می‌دهد. شبیه طی کردن درجات بالا به اندازه سهم انسانی و کوچک خودمان. نمی‌شود یک نفر به‌خانه برگردد با همان حال قبلی خودش.

از خوشی‌ها و لذت‌های سفر که می‌گذرد به برخی قسمت‌ها هم نقد دارد و درباره آن‌ها می‌گوید: قبلی‌ها که سفر حج را تجربه کرده بودند از محدودیت‌های موجود در حرم الهی می‌گفتند. ما هم آن را تجربه کردیم. نه هر جایی اجازه نشستن و استراحت می‌دادند نه عبادت. از نظر مسافت هم گاه بین سرویس‌های حمل‌ونقل یا هتل تا محل زیارت فاصله پیاده روی زیاد بود. کسبه رفتارشان خوب بود و سیستم حمل و نقل مشکل خاصی نداشت.

● آرزوی همسرم را برآورده کردم

محمد سبزواری هم با کاروانی از مشهد اعزام شده است. بعد از عمری و در سن ۶۳سالگی، خودش و همسرش آمده‌اند. حاصل یک عمر کارگری و پول‌بازنشستگی را خرج سفرشان کرده است و می‌گوید: از همان روزهایی که بنا بر رفتن شد صدایش

شهریار

۳۰شنبه
۱۹ خرداد ۱۴۰۱
شماره ۳۷۱۵

SHAHRAHNEWS.IR

۱۳

خبر

یادداشت

من ماندم منتظر نوبت آسیاب



هادی حاجتمند کارگردان سینما

برادرم حاج محمد بعد از ۲۹سال کار مداوم در حوزه بازرسی، درست همان سال اول دولت با زده‌م، به شکل ناگهانی و بدون اطلاع قبلی از اداره آموزش و پرورش استان خراسان رضوی تودیع شد. به قول امروزی‌ها حاجی رفت پارکینگ. تصور می‌کردیم بعد این همه سال کار مدیریتی، با این رفتار خارج از عرف مدیران وقت وزارت آموزش و پرورش حاجی با سرخوردگی و ناامیدی برود در لاک خودش و دیگر کاری نکند. اما حاج محمد در یک تصمیم عجیب، بعد سال‌ها تجربه مدیریت کلان، خدمت در حاشیه شهر مشهد را انتخاب کرد و مدیر یک مدرسه ابتدایی دخترانه شد. مدرسه‌ای ساده که دانش‌آموزان محروم شش‌ه و سنی در کنار هم درس می‌خوانند. این چیزی بود که خودش می‌خواست و آن موقع فهمیدم حاج محمدمگم شده خودش را پیدا کرده است.

حاجی هر وقت من را می‌دید می‌گفت نمی‌دانی آنجا چه خبر است. اگر کاری می‌خواهید انجام بدهید باید بروید آنجا. کلی بچه دارم که همه محروم‌اند و باید برایشان کار کرد. می‌گفت: درمان تهدید حاشیه شهر مشهد فقط خدمت است، خدمت بدون توجه به شیعه یا سنی بودن، فقط باید به مسلمان بودنشان فک کرد.

بعد از چند هفته، روزی با یکی از دوستانم به مجمعی که حاجی آنجا کار می‌کرد رفتم و دیدم چه خبر است. دور حاجی دختر بچه‌های ابتدایی یک روستا حلقه زده بودند و آن مرد انگار نه انگار که تادیروز مسئول بوده و تصمیم‌گیری‌های کلان‌استانی را انجام می‌داده است. حالا با عده‌ای از دختران نونهال مثل خودشان بازی می‌کرد و همه را به اسم کوچک می‌شناخت. می‌گفت اگر بر سبکی از آن‌ها دست نکشم فوراً گله می‌کند که آقا از دست من ناراحت هستید؟

من آن روز با چشم‌های خودم دیدم که بچه‌ها حاج محمد رضا را با یاد صامی زدند.

خودم با چشم‌های خودم دیدم که حاجی برای دختر بچه‌اهل سنت که پدرش از مدرسه دزدی کرده بود زندگی بود مواد غذایی می‌خرید و می‌گفت زندان بهم فرستم باید خرج زندگی‌شان را خودم بدهم و این کار را هر همی‌کرد.

خودم دیدم که پزشک به روستا آورد دلیل اکثر بیماری‌های گوارشی بچه‌ها را بررسی کرد و درست جایی که بیش از ۷۰درصد اهالی‌اش اهل اهل سنت بودند سفره خانه‌ای زده نام، امام مجتبی (ع)،

و بچه‌ها اسم امام مجتبی (ع) را مصداق کرامت دیدند.

خودم دیدم که از اول بهممن برای تهیه لباس همه اهالی آن منطقه برنامه ریزی کرده بود. حتی برای والدین بچه‌ها. کمتر از چند ماه حاجی در آن منطقه محور وحدت شد.

حاجی می‌گفت اینجارا مثل یک محور از محورهای کربلای ۵می‌دانم. حاجی زنده شد. می‌گفت اینجا که می‌بینم مفیدم. دوباره جان می‌گیرم.

با دخترهای خودش می‌رفت خرید لوازم التحریر برای بچه‌های مدرسه.

از آبرویش مایه می‌گذاشت برای فراهم کردن پول‌های مورد نیاز در آن منطقه.

قبل آخرین سفر حج، به حاجی گفتم: حاجی می‌خواهم بروم سوریه مواظب زن و بچه‌ام باش. با خنده جواب داد: آسیاب به نوبت. گفتم حاجی از شما گذشته است دیگر، جبهه رفتید و شهید نشدید. حالا هم که دیگر دارید پیر می‌شوید. خندید و گفت من پارتی‌ام در آن دنیا بیشتر از اینجا ست. گفتم حالا می‌بینیم. گفت: بگذار بروم حج تمتع بعد که برگشتم توبرو. حاجی شهید شد و من ماندم منتظر نوبت آسیاب.

یک مستند



آخرین ندای حاجتمند در سرزمین وحی

مستند «سالارآباد، درباره فاجعه منا و شهید حاج محمد رضا حاجتمند، از جان باختگان این حادثه دردناک، تولید شده است.

در این مستند ابتدا تصویری از آغاز فاجعه به نمایش در می‌آید، سپس تصاویر جان باختگان و مجروحان را می‌بینیم که سوء مدیریت و کارشکنی سعودی‌ها مانع از نجات جان مصدومان و در نتیجه افزایش تعداد جان باختگان شد.

بخش دیگری از مستند «سالارآباد، به گفت‌وگو با خانواده، دوستان و همکاران شهید حاج محمد رضا حاجتمند، از جانب‌اختگان فاجعه منا، اختصاص دارد.

او جزو رزمندگان دوران دفاع مقدس بود و بعد از انقلاب نقش مهمی در فعالیت نهاد‌های اجتماعی از جمله کمیته امداد امام خمینی (ع) داشت، این شهید فاجعه منادر عملیات‌های مختلفی شرکت داشت و از جمله اقدامات فرهنگی او نیز مداحی برای رزمندگان بود. در بخش پایانی «سالارآباد، برخی از شاهدان عینی فاجعه منا و کسانی که با شهید حاجتمند همراه بودند، به روایت آن حادثه دردناک می‌پردازند، همچنین مداحی او در مکه مکرمه نیز به نمایش در می‌آید. علی‌میرزایی کارگردانی این فیلم را بر عهده داشته است.

خبرگزاری

برای دانستن دیگر نکات اولین سفر زائران حج در سال ۱۴۰۱ از اطلاعات عباس خدانشناس، مسئول روابط عمومی حج و زیارت استان، استفاده می‌کنیم.

وی درباره تعداد زائران حج امسال می‌گوید: برنامه هر سال سازمان ثابت و مشخص است ولی امسال به این دلیل که زمان اعزام دیر اعلام شد با مشکلاتی روبه‌رو بودیم.

وی ادامه می‌دهد: امسال اعزامی‌های سال ۹۹ را فراخون

زائرانی که سنشان کمتر از ۶۵سال بود اعزام شدند

زده‌یم اما ظرفیت اعلام شده از سوی کشور عربستان برای کل کشور کمتر از همیشه و ۱۰هزار نفر بود که سهم استان ما ۵هزار و ۶۵نفر شد. از سوی دیگر اعلام شده بود که زائران نباید بیش از ۶۵سال سن داشته باشند، به همین دلیل افراد ثبت‌نام شده سال‌های دیگر هم فراخوانده شدند.

خدانشناس درباره هزینه این سفر یادآور می‌شود: هزینه‌های امسال تغییر کمی پیدا کرد و بین ۳۶تا ۴۵میلیون تومان شد. درحالی‌که این مبلغ در سال آینده باتوجه

به قیمت فزاینده دلار بالغ بر ۱۰۰میلیون تومان خواهد شد. وی با توجه به انتقاد زائران در حوزه حمل و نقل تأکید می‌کند: سرویس حمل و نقل درون شهری در حج توسط خودمان راه‌اندازی، مدیریت و برنامه ریزی می‌شود. یعنی در کشور خارجی سرویس دهی داریم که با توجه به محدودیت‌های کشور میزبان، کار سختی است. بخشی از سرویس دهی‌ها هم براساس قوانین کشور عربستان در مناسک حج محدود شده بود تا امنیت بیشتری برای زائران فراهم شود.

